

The Economic Dimensions of Security-Oriented Criminal Policy from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law

Marzeih Akhtari Boroujeni¹, Mohsen Shekarchizadeh^{2*}, Razie Ghasemi Kahrizsangi³

1. Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 31-46

Article history:

Received: 2 Jan 2023

Edition: 19 Mar 2023

Accepted: 22 Apr 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Economics of law, Criminal Policy, Security-Oriented, Criminalization, Utilitarianism.

Corresponding Author:

Mohsen Shekarchizadeh

Address:

Iran, Najafabad, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Law Group.

Orchid Code:

0009-0006-1148-708X

Tel:

031-42292929

Email:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com.

ABSTRACT

Background and Aim: The discussion of economy and criminal law is one of the important issues that has not been paid much attention to. The economic approach to criminal law is based on the principle that criminalization in the society should be done according to the economic dimensions and economic capacities of the society. In this article, an attempt has been made to examine security-oriented criminal policy from the point of view of the reference approach, from the point of view of jurisprudence and criminal law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical Considerations: In the present paper, the originality of the text, honesty and trustworthiness are respected.

Results: The findings indicate that security-oriented criminal policy imposes a lot of costs on the society from an economic point of view. The lack of usefulness, criminal inflation and increase in costs, ignoring the principle of harm and limiting the economic and welfare rights of citizens are among the most important economic aspects of the criminal (penal) policy of security. Judicial capacity and facilities. In the security-oriented criminal policy, the law-maker, regardless of the capacity and facilities of the judicial system, initiates new criminalizations, and by doing so, he will practically challenge the legislative policy.

Conclusion: It is more correct for the legislator to pay due attention to the existing capacity and facilities before new criminalizations, rather than seeking to create capacity and facilities after criminalization.

Cite this article as:

Akhtari Boroujeni M, Shekarchizadeh M, Ghasemi Kahrizsangi R. *The Economic Dimensions of Security-Oriented Criminal Policy from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2023.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

بررسی ابعاد اقتصادی سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت محور از منظر فقه و حقوق کیفری

مرضیه اختری بروجنی^۱، محسن شکرچی زاده^۲، راضیه قاسمی کهریز سنگی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بحث اقتصاد و حقوق کیفری از موضوعات مهمی است که چندان بدان توجه نشده است. رویکرد اقتصادی به حقوق کیفری مبتنی بر این اصل است که جرم‌انگاری در جامعه لازم است متناسب با ابعاد اقتصادی و ظرفیت‌های اقتصادی جامعه انجام شود. در این مقاله تلاش شده از منظر رویکرد اشاره، سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت محور از منظر فقه و حقوق کیفری بررسی شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که سیاست جنایی امنیت محور، از منظر اقتصادی هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می‌کند. عدم فایده‌مندی، تورم کیفری و افزایش هزینه‌ها، نادیده گرفتن اصل ضرر و محدودسازی حقوق اقتصادی و رفاهی شهروندان از مهمترین ابعاد اقتصادی سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت است. در سیاست جنایی، از جمله مواردی که باید در جرم‌انگاری مدنظر قرار گیرد توجه به ظرفیت و امکانات قضایی است. در سیاست جنایی امنیت محور، قانون‌گذار بدون توجه به ظرفیت و امکانات دستگاه قضایی اقدام به جرم‌انگاری‌های جدید می‌نمایند و با این کار عملاً سیاست تقنینی را به چالش خواهد کشید.

نتیجه: صحیح‌تر آن است که قانون‌گذار قبل از جرم‌انگاری‌های جدید توجه لازم را به ظرفیت و امکانات موجود داشته باشد تا اینکه پس از جرم‌انگاری در پی ایجاد ظرفیت و امکانات باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱-۴۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

اقتصاد حقوق، سیاست جنایی، امنیت محور، جرم‌انگاری، فایده‌مندی.

نویسنده مسئول:

محسن شکارچی زاده

آدرس پستی:

ایران، نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، گروه حقوق.

تلفن:

031-42292939

کد ارکید:

0009-0006-1148-708X

پست الکترونیک:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر نظام قضایی، فراهم کردن نظم در جامعه و واکنش در مقابل اعمال مخل نظم اجتماعی است. رویکرد امنیت‌گرا، بافاصله گرفتن از دیدگاه‌های مجرم محور جنبش دفاع اجتماعی و مکتب تحقیقی و بازگشت به دیدگاه‌های کلاسیک اساس توجه خود را بر جرم قرار می‌دهد و به اصطلاح جرم مدار است. در این دیدگاه، بزهکار به مثابه کنش‌گری اقتصادی است که با به کارگیری عقلانیت و محاسبه سود و زیان عمل، خود دست به ارتکاب جرم می‌زند. در این نگاه مجرم خطری برای سایر افراد محسوب می‌شود خطری که امنیت جامعه را تهدید می‌کند. از این رو، ایدئولوژی امنیت‌گرا بر مجازات‌های سخت و گاهی نامتناسب با جرم ارتكابی و رفتار بدون اغماض با مرتکبان به منظور سلب توان کیفری و مهار خطر بزهکاری تأکید می‌کند (مهدوی‌پور؛ شهرانی‌کرانی، ۱۳۹۳، ۱۶۵-۱۶۴). در سیاست جنایی امنیت مدار، در نتیجه تورم قوانین و مقررات کیفری و فراوانی دستگاه‌ها که مبادرت به تدوین یا تنظیم قوانین کیفری می‌کنند و همچنین مناسب نبودن برخی از مجازات‌ها نسبت به جرائم، نظام کیفری با افزایش جرم هم از لحاظ جرم انگاری و هم از لحاظ بزهکاری روبرو است و از سوی دیگر افزایش تکرار جرم موجب بالا رفتن آمار مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و افزایش تعداد زندانیان می‌شود که کاهش سطح امنیت و رفاه جامعه را به دنبال دارد. این مسئله از موضوعات مهمی است که تبیین و تحلیل آن ضروری به نظر می‌رسد. این موضوع وقتی از اهمیت بالاتری برخوردار است که توجه شود، تحلیل اقتصادی جرم و جرم انگاری رفته رفته

جایگاه مهمی در رویکردهای سیاست جنایی پیدا کرده است. «وظیفه حقوق این است که به خواسته‌ها و انگیزه‌های مختلف افراد نظم و ترتیب دهد و بین آن‌ها مصالحه برقرار سازد زیرا انگیزه محرک اصلی فرد است. همچنین قرارداد وسیله‌ای است حقوقی که به فرد این امکان را می‌دهد تا به بهترین وجه رضایتمندی و نیازهایش را برآورده سازد. فیزیوکرات‌ها و اقتصاددانان آزادیخواه نیز «فرد» را به عنوان موجودی متشکل از انگیزه‌ها و نیازها، که فعالیت‌هایش از طریق ابزار حقوقی قرارداد تجلی پیدا می‌کند، تلقی می‌کردند» (طالقانی، ۱۳۷۳). بدین‌سان، انسان حقوقی با انسان اقتصادی تلاقی پیدا کرد. همین تلاقی اقتصاد و حقوق که در زندگانی بشر اولیه کمابیش وجود داشته و در زندگی بشر امروز به اوج خود رسیده است، تحلیل‌های جدیدی می‌بایست صورت گیرد که در همین راستا رشته‌ای نوین در میان علوم ایجاد نموده است» (حاجیانی، ۱۳۹۳). از این رو، «حقوق و اقتصاد»، تأکید آن بر انگیزه‌ها و واکنش‌های افراد به این انگیزه‌ها است. تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه سیاست جنایی امنیت محور انجام شده است: سلمان کونانی، علیرضا میرکمالی و دیبا امیر حشمتی، در مقاله‌ای به بررسی برهم کنش موازین حقوق بشر و سیاست جنایی امنیت‌گرا در افق قواعد حقوق بین‌الملل با تأملی بر قانون میهن پرستی آمریکا پرداخته‌اند (کونانی؛ میرکمالی؛ امیر حشمتی، ۱۳۹۱). سید محمود مجیدی و فاطمه تاج‌آبادی، نیز در مقاله‌ای، تکنیک‌های جرم‌انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران را بررسی کرده‌اند (مجیدی؛ تاج‌آبادی، ۱۳۹۸). همچنین سارا بهادران و علیرضا آقاسی در مقاله‌ای، سیاست-جنایی امنیت مدار از تئوری تا عمل را مورد

کار عملاً سیاست تقنینی را به چالش خواهد کشید.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. تحلیل اقتصادی حقوق کیفری

برای فهم بهتر تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، بایستی مفهوم حقوق اقتصادی به طور کلی تبیین گردد تعاریف مختلفی از تحلیل اقتصادی به عمل آمده است. تحلیل اقتصادی حقوق، شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به ارزیابی، ساختارها، قالب‌ها، فرایندها و اثرات قانون و نهادهای حقوقی می‌پردازد (سنتونگ، ولیانوسکی، ۲۰۰۷، ۱۹). همچنین گفته شده است که تحلیل اقتصادی حقوق، مطالعه اثرات قواعد حقوقی بر روی فعالیت کارگزاران اقتصادی و میزان مطلوبیت آنهاست. جنبش حقوق و اقتصاد بخشی از روندی است که در طی آن از نظریه‌های اقتصادی مانند مفهوم کارایی برای توصیف تصمیمات و اعمالی که ظاهراً از معاملات غیرشخصی در بازار بسیار متفاوت است استفاده می‌کند (التمن، ۱۳۸۵، ۳۲۴). ریچارد پاسنر تحلیل اقتصادی حقوق را عبارت از اعمال نظریه‌ها و روش‌های تجربی اقتصادی می‌داند که در نهادهای حقوقی اعمال می‌گردد (جان دی. هانسون، ۲۰۰۹، ۲۹۹). تحلیل اقتصادی حقوق برای تبیین و چرایی مسائل اجتماعی از ابزارهای اقتصادی استفاده می‌کند که در آن مسائل حقوقی از بعد اقتصادی و به صورت خلاقانه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند از این نقطه نظر علم اقتصاد به دلیل استفاده از ابزارهای ریاضی و تجربی بهتر از سایر علوم انسانی خود را تحلیلگر مسائل می‌داند؛ زیرا تحلیل اقتصادی ایده

بررسی قرار داده‌اند (بهادران؛ آقاسی، ۱۳۹۹). اما به ابعاد اقتصادی سیاست جنایی امنیت محور توجهی نشده است و نوآوری مقاله حاضر بررسی این موضوع است. براساس آنچه گفته شد در مقاله حاضر تلاش شده به بررسی این موضوع مهم پرداخته شود که سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت محور از منظر فقه و حقوق کیفری داری چه ابعاد اقتصادی است؟ به منظور بررسی سؤال مورد نظر ابتدا به تحلیل اقتصادی حقوق کیفری پرداخته شده و در ادامه از ابعاد اقتصادی سیاست جنایی امنیت مدار بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که سیاست جنایی امنیت محور، از منظر اقتصادی هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می‌کند. عدم فایده‌مندی، تورم کیفری و افزایش هزینه‌ها، نادیده گرفتن اصل ضرر و محدود سازی حقوق اقتصادی و رفاهی شهروندان از مهمترین ابعاد اقتصادی سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت است. در سیاست جنایی، از جمله مواردی که باید در جرم‌انگاری مدنظر قرار گیرد توجه به ظرفیت و امکانات قضایی است. در سیاست جنایی امنیت محور، قانون‌گذار بدون توجه به ظرفیت و امکانات دستگاه قضایی اقدام به جرم‌انگاری‌های جدید می‌نماید و با این

پرداز نیست، بلکه ایده موجود در جامعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد تا در انتخاب بهترین به سیاست‌گذاران کمک کند (نیکلاس ال. جورجاکوپولوس، ۲۰۰۵، ۳).

حقوق، تعهداتی است که از طریق ضمانت اجراهای مقررات دولتی مورد حمایت قرار می‌گیرد. قانون‌گذاران معمولاً این سؤال را مطرح می‌کنند که چگونه یک ضمانت اجرای قانونی روی رفتارها اثر می‌گذارد؟ به عنوان مثال اگر خسارت‌های تنبیهی بر سازنده کالایی معیوب تحمیل شوند، چه اتفاقی در قیمت و کیفیت و ایمنی محصولات این سازنده در آینده خواهد افتاد؟ آیا اگر کسانی که برای سومین بار تخلف می‌کنند به طور خودکار زندانی شوند، میزان جرم تقلیل می‌یابد؟ برای اقتصاددانان، ضمانت اجراها در حکم قیمت هستند و احتمالاً مردم همان طور که به قیمت‌ها پاسخ می‌دهند به این ضمانت اجراها هم پاسخ خواهند داد مردم به قیمت‌های بالاتر از طریق مصرف کمتر کالاهای گران‌تر پاسخ می‌دهند بنابراین احتمالاً نسبت به ضمانت اجراهای قانونی سنگین‌تر با ارتکاب کمتر فعالیت‌های مربوط به این ضمانت اجراها، پاسخ می‌دهند (کوتر؛ یولن، ۱۳۹۱، ۱۲).

می‌توان گفت که نظریه‌ی اقتصادی اصولاً از نوشته‌های مربوط به جرم در آثار بکاریا و بنتام نشأت گرفته است. بنتام به تفصیل این نظریه را بسط داد که ضمانت اجراهای قانونی ممکن است رفتار بد را کاهش دهند و این ضمانت اجراها باید هنگامی مورد استفاده قرار گیرند که بازدارنده هستند نه در موارد و شرایطی که حائز چنین تأثیری نیستند مثلاً در مورد دیوانه پس از بنتام روش تحلیل اقتصادی حقوق تا دهه ۱۹۷۰ در

حالت رکود و کمون قرار گرفت. در آن دوره رونادکوز یک مقاله محرک درباره انگیزه‌های کاهش صدمات ناشی از کاربرد حقوق اموال، نوشت گری بکر نیز یک مقاله مؤثر در قالب شرایط جدید و با توسعه نظرات بنتام درباره جرم نوشت، «گایدو کالابرسی» بررسی مبسوط قواعد مسئولیت و مسئله حادثه را منتشر ساخت و «پوسنر» یک رساله جامع و تعدادی مقاله نوشت و مجله مطالعات حقوقی را منتشر کرد که در آن مطالعات و مقالات مربوط به تحلیل اقتصادی به طور منظم به چاپ می‌رسید. از آن زمان تاکنون تحلیل اقتصادی حقوق رشد نسبتاً سریعی داشته است. این اندیشمندان اقتصادی، دستگاه هزینه-فایده را فرموله کردند (شاول، ۱۳۸۸، ۱۳).

در نگرش اقتصادی به حقوق، انسان اقتصادی یکی از اصول بنیادین است؛ اصلی که قابلیت پیشگویی رفتارها و واکنش‌ها به محرک‌های به وجود آمده در جامعه را فراهم می‌آورد در نتیجه می‌توان با استفاده از این، اصل واکنش افراد جامعه به محرک‌ها و مشوق‌هایی که با عنوان قانون عرضه می‌شوند را پیش‌بینی کرد و برای پاسخ به این واکنش‌ها تدابیر لازم را اندیشید. از سوی دیگر برخی بر این باورند که ابزارهای اقتصادی به دلیل عدم وابستگی به یک نگرش خاص یا طرز فکری خاص، بهترین ابزار برای تحلیل مسائل حقوقی می‌باشند. این ابزارها تقریباً به طور یکسان در جوامع صرف نظر از نظام اقتصادی حاکم به عنوان یک متد، ارزیابی مورد پذیرش واقع شده‌اند و در بررسی‌های اقتصادی موضوعات از آن‌ها استفاده می‌شود. بدین ترتیب تحلیلگران مسائل حقوقی تمایل بیشتری به استفاده از آن‌ها دارند (نیکلاس ال. جورجاکوپولوس، ۲۰۰۵، ۲). از دیدگاه تحلیل اقتصادی

بازار کار، ۴) تأثیر بر کیفیت زندگی خانوار (۵) از دست دادن یا از بین رفتن اموال و افراد (۶) از دست دادن قربانیان و منافع آتی آن‌ها، (۷) هزینه‌هایی که سیستم‌های نگهداری از مجرمان زندان‌ها) متحمل می‌شوند، (۸) تأثیر بلندمدت و آتی بر خانواده‌های مجرمان و قربانیان (حسینی نژاد، ۱۳۸۴، ۳۵).

یکی از مجازات‌های رایج در سیاست جنایی، مجازات حبس است. اگرچه کیفر حبس با رویکرد سزادهی و باز اجتماعی کردن، مجرم برقراری امنیت و رفاه جامعه مورد توجه قانون‌گذار و دستگاه عدالت کیفری است اما باید گفت که مجازات حبس دارای آسیب‌های جدی و غیر قابل اغماض است. افزایش روزافزون جمعیت کیفری در سالیان اخیر از یک سو و عدم توسعه‌ی کمی و کیفی زندان‌ها از سوی دیگر آسیب‌های زیادی را متوجه، دولت زندانی و خانواده‌ی آن و همچنین جامعه نموده است.

امروزه مجازات زندان به چالش مهمی برای سیاست کیفری ما تبدیل شده و هزینه‌های سنگینی را به جامعه و نظام تحمیل کرده است. صرف نظر از هزینه‌های اجتماعی وارده بر مجرم و خانواده وی، توجه به افزایش هزینه‌های مادی تورم کیفری برای جامعه و دستگاه عدالت را نباید از منظر دورنگه داشت. وقوع یک جرم، هزینه‌های اجرایی و پلیسی جهت کشف جرم و تحقیقات، آن هزینه‌های دادرسی کیفری، هزینه‌های اجرای احکام، هزینه‌های ساخت زندان و هزینه‌های نگهداری مجرمین در زندان‌ها تا زمان آزادی را در پی خواهد داشت. دولت‌ها مکلفاند هزینه‌های لازم را برای هر فرد از بدو تولد تا زمان فوت در بودجه سالیانه خود لحاظ نمایند هدف دولت از

انسان‌ها در یک اجتماع بازاری در حال زندگی هستند جامعه بازاری که از منابع کم برخوردار است و رشد اقتصادی جامعه در گرو مدیریت این منابع محدود است در بازار واکنش به محرک‌ها عقلانی، است، انتخاب‌ها آگاهانه و با اطلاعات کامل از نتایج انجام می‌گیرد و افراد به دنبال افزایش سود خود هستند برای رسیدن به این نتیجه قبل از هر تصمیمی، به ارزیابی هزینه فایده آن دست می‌زنند از دیدگاه طرفداران تحلیل اقتصادی حقوق در استفاده از ابزارهای اقتصادی در تحلیل مسائل اجتماعی، محدودیت‌های موجود در سایر رشته‌ها مانند، اخلاق فلسفه و سیاست وجود ندارد اقتصاد ابزارهای ریاضی و تجربی را در اختیار محقق قرار می‌دهد که می‌تواند به صورت عملی از آن‌ها برای تبیین پدیده‌های اجتماعی استفاده نماید. مطالعاتی که نتایج آن دقیق‌تر و به مراتب مطمئن‌تر است.

۵-۲. ابعاد اقتصادی سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت محور

این ابعاد عبارتند از:

۵-۲-۱. تورم جمعیت کیفری و افزایش هزینه‌ها

یکی از آثار اقتصادی سیاست جنایی امنیت محور، تورم جمعیت کیفری و افزایش هزینه‌هاست. به طور کلی هزینه‌های بالقوه ناشی از جرم را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: (۱) تمامی هزینه‌های فرضی ناشی از زمان‌های اختصاص یافته به جرم (مجرمان، قربانیان و یا سیستم‌های نظارت و نگهداری)، (۲) هزینه‌های مستقیم امنیتی، پلیسی (۳) هزینه‌های مستقیم بخش خصوصی تأثیر بر سایر بازارها از جمله بر

این، هزینه‌ها بهره‌مندی از افراد در آینده رسیدن به سود اقتصادی است. محبوس شدن چنین فردی چه هزینه‌های را بر دولت به معنای عام تحمیل می‌کند. به عبارتی محبوس کردن هر فرد به معنای هدر رفت بودجه‌ای است که برای چنین فردی هزینه شده است. بنابراین نظام کیفری ایران علاوه بر چالش افزایش جرم تکرار جرم و مجازات، با افزایش بودجه مضاعفی برای مقابله با بزهکاری روبروست. در حالی که می‌توان این هزینه‌ها را صرف امور آموزشی، عمرانی و غیره کرد. فایده یا همان مطلوبیت در اقتصاد جایگاه ممتازی دارد. قانون‌گذار نیز با درک این فایده و در راستای تأمین منافع فرد و اجتماع، درصدد تغییر رویه با تصویب مجازات‌های جایگزین حبس و کاهش مجازات حبس تعزیری است. به نظر این ساده‌ترین روش برای کاهش هزینه است (بابایی، ۱۳۸۶، ۵۴).

پایین بودن هزینه‌های مجازات جایگزین نسبت به زندان یکی از مهم‌ترین دلایلی است که مقنن اقدام به تصویب این‌گونه مجازات‌ها نموده است. زندان‌ها هزینه‌های هنگفتی در بردارند؛ در صورتی که جایگزین‌ها بسیار ارزان تمام شده و می‌توانند همان نتایج یا حتی نتایج بهتری به بار آورند. این تفاوت هزینه‌ها به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته یا کشورهای جهان سوم که منابع مالی کمتری در اختیار دارند، اهمیت دارند (موسی‌زاده و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶، ۴). استفاده از انواع مجازات‌های جایگزین حبس کاهش هزینه‌های قانون‌گذاری قضایی و اجرایی را به دنبال خواهد داشت که به نظر قانون‌گذاران ایران درصدد رسیدن به فایده اقتصادی این نوع از مجازات‌ها بوده‌اند.

نظام کیفری، با سیستمی از شیوه‌ها و نهادهای دولتی و با رویکرد اقتصادی مناسب به سیاست کیفری، می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد و در جهت افزایش فعالیت‌های اقتصادی و پیشگیری از جرم به کاهش جرائم و در نتیجه کاهش هزینه‌ها دست یافت تا از فرآیند اعمال مجازات‌های مناسب و به تبع آن کاهش هزینه‌های ناشی از سطح امنیت و رفاه اجتماعی جامعه که هدف حقوق کیفری است افزایش یابد. از این رو طرح اندیشه‌های مجازات جایگزین زندان مکانیسم‌های کاهش جمعیت کیفری با رویکرد نوین به مقوله زندان و زندانبانی به عنوان الگویی کارساز و فایده مند جهت برون رفت از این معضل مورد استقبال قانون‌گذار و واضعان عرصه سیاست جنایی قرار گرفته است (احمدوند؛ چراغی، ۱۳۹۶، ۱). استفاده نظام قانون‌گذاری از تئوری‌ها و تحلیل‌های اقتصادی مجازات‌ها به ویژه مجازات حبس برای تدوین قوانین کیفری و حداقل پیش‌بینی این قوانین در آینده که از نظر علم اقتصاد باید کارآمد و مفید باشند منتج به جرم‌زدایی کیفر زدایی و قضازدایی در نظام عدالت کیفری و باعث کاهش جرم و مجازات شده و هزینه‌های سیستم عدالت کیفری را کاهش می‌دهد.

۵-۲-۲. عدم توجه به فایده‌مندی؛ هزینه فایده

یکی دیگر از آثار و ابعاد سیاست جنایی کیفیت مدار، عدم توجه به فایده‌مندی است. جرم‌انگاری نمودن برخی از رفتارها در ذات خود دارای ضرر و آسیب است، ولی این نکته را باید در نظر گرفت که قبل از اینکه یک رفتار جرم‌انگاری شود، باید فایده‌مندی آن را قبل از هر چیز دیگر در نظر

گرفت، زیرا شرط اساسی برای جرم‌انگاری نمودن این است که فایده‌هایی که در جرم‌انگاری وجود دارد بر هزینه‌هایی که قرار است برای آن مصرف شود پیشی بگیرد والا فایده‌ای در بر نخواهد داشت، مگر در مواردی که بسیار استثنایی هستند. بنابراین مخارج جرم‌انگاری از نظر اقتصادی مشمول مخارج زیر می‌گردد: ۱- هزینه‌های مربوط به مراحل کشف جرم؛ ۲- تعقیب و مجازات مجرمان؛ ۳- تورم کیفری ناشی از جرم انگاشتن یک رفتار جدید؛ ۴- افزایش بی‌رویه تعداد زندانیان؛ ۵- مشکلات بی‌شمار روانی و اقتصادی وارد بر جامعه و شهروندان آن؛ ۶- هزینه‌های مربوط به بازپروری و نگهداری محبوسین. همگی موارد مورد اشاره جزء مخارج اقتصادی هستند که باید کمتر از فایده مندی آن باشد که بتوان به آن گفت جرم انگاری سودمند بوده است (اسدی، ۱۳۹۰، ۶۷).

متفکران تحلیل اقتصادی حقوق معتقدند که بزه‌کاران، مانند هر انسانی، با توجه به گرایش‌ها و ترجیحات خود، تصمیم‌گیری کرده و اقدام به ارتکاب بزه می‌نمایند. بر این اساس، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که با افزایش شدت و قطعیت مجازات می‌توان به کاهش رفتار مجرمانه کمک کرد. در خصوص محاسبه مطلوبیت مورد انتظار توسط مجرمین، باید توجه داشت که مجرمین بالقوه، رفتار مجرمانه را نه بر اساس محاسبه احتمال واقعی بلکه بر اساس احتمال تصویری خودشان، انجام می‌دهند. بنابراین محاسبه احتمال وقوع هریک از گزینه‌های پیش رو، برای مجرم بالقوه دور از واقعیت است و به دشواری بتوان پذیرفت که فرد قادر باشد احتمال وقوع رخدادهایی چون دستگیری، محکومیت میزان مجازات یا هزینه فرصت فعالیت‌های قانونی خود

را دقیقاً "محاسبه نماید. دستگیری مجرم نشان می‌دهد که وی در محاسبه احتمال دستگیری خود دقیق عمل نکرده است. پذیرش رویکرد اقتصادی به مثابه یک نظریه، مکمل می‌تواند جرم‌شناسان و سیاست‌گذاران را از بصیرت‌های تحلیل‌های اقتصادی بهره‌مند سازد. مدل انسان اقتصادی در تبیین برخی از رفتارهای مجرمانه مانند جرائم عمدی جرائم سودجویانه و حتی سازمان‌یافته، موفق به نظر می‌رسد و نیز به‌کارگیری مفهوم کشش در تحلیل برخی رفتارهای مجرمانه می‌تواند مفید باشد برای اساس، افزایش قطعیت مجازات و احتمال دستگیری در جرائم خرد و پرکشش شاید بتواند در کاهش پدیده مجرمانه در رویارویی با مجرمین پرخطر به شرط متنوع بودن گزینه‌های پیش روی این‌گونه مجرمین، مؤثر باشد. در حقیقت نظریه، اقتصادی از میان عوامل مختلف تأثیرگذار بر ارتکاب جرم دو عامل شدت و قطعیت مجازات را جدا کرده و سعی می‌کند نشان دهد که با توجه به هزینه‌های فراوانی که ارتکاب جرم و پیشگیری از آن برای جامعه، دارد قانون‌گذاران چگونه باید به رابطه میان این دو عامل و پدیده مجرمانه واکنش نشان دهند تا بیشترین فایده نصیب اجتماع گردد. بصیرت‌های تحلیل اقتصادی می‌تواند در شناسایی راهبردهای رویارویی با مجرمین از نظر گرایش آن‌ها به خطر و به خصوص در زمینه اتخاذ راهکارهای مجازات محور مفید باشد. به نظر نمی‌رسد بتوان جنبه بازدارندگی مجازات را از آن سلب کرد. در این صورت لااقل در برخی جرائم که تعداد بیشتری از مردم با آن‌ها درگیر هستند مانند جرائم راهنمایی و رانندگی و یا حساسیت اجتماعی بالایی دارند (مانند قتل عمد، تجاوز به عنف، جرائم

حتی در برخی موارد در جرائم سخت و مجازات بلند نمی‌بیند عدالت قضایی نیز به نحوی مطیع عدالت کیفری است که سیاست جنایی برای آن تعریف نموده است و به وسیله قانون‌گذار به منصفی ظهور می‌رسد. قانون‌گذار ایران با توجه به دریافت پالس‌های مثبت اقتصاد و با لحاظ سودآوری مجازات‌ها، درصدد تغییر رویه قانون‌گذاری است که نتیجه‌ی آن در تصویب فصل نهم قانون مجازات اسلامی با عنوان مجازات‌های جایگزین متبلور شده است.

۵-۲-۳. نادیده گرفتن اصل ضرر

از دیگر آثار و ابعاد سیاست جنایی امنیت مدار، نادیده گرفتن اصل ضرر است. زمانی که در جوامع بر مبنا حقوق بشر، از ملاک جرم‌انگاری به میان می‌آید، اولین ملاکی که به ذهن حقوقدانان خطور می‌کند، اصل ضرر است و نسبت به بقیه اصول، از طرفداران بیشتری برخوردار است. اصل ضرر یا همان آسیب نرساندن به دیگران مشابه آن در اسلام، قاعده لاضرر است. قاعده لاضرر قاعده‌ای است که دلیل عقل و سیره عقلا به آن اذعان دارد و با پذیرش نقش اثباتی آن در احکام شرعی می‌توان به جبران خسارت ناشی از تجاوز و تعدی به سرمایه‌های زیست محیطی بدان استناد. نمود این قاعده مختص ضررهای شخصی نبوده بلکه شامل اضرار عمومی نیز می‌گردد. در مورد قاعده لاضرر با توجه به دیدگاه‌های مختلف نکته قابل‌ملاحظه این است که ضرر در شریعت پذیرفته نیست و دلیلی بر مشروعیت آن وجود ندارد عقل نیز بر عدم مشروعیت ضرر صحه گذارده و حکم عقل با حکم شرع در این خصوص ملازمه دارد این عدم مشروعیت هم شامل مرحله قانون‌گذاری و هم فرایند اجرای قانون می‌شود (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ۱۳۴-۲۹۳؛ مکارم

سازمان‌یافته و اقتصادی می‌توان فرایندی را تدارک دید تا تعداد بیشتری از مردم از تغییرات درشدت مجازات آگاهی داشته باشند. افزایش اطلاع‌رسانی در خصوص میزان مجازات، دستگیری و قطعیت مجازات جرم‌هایی که جامعه حساسیت بیشتری نسبت به آن‌ها دارد، گامی بزرگ اما کم هزینه در مقابله با رفتار مجرمانه محسوب می‌شود. همچنین با افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم، از طریق بالا بردن احتمال دستگیری و قطعیت مجازات می‌توان در انگیزه‌های فردی مجرمین بالقوه، تغییراتی ایجاد کرد. از سوی دیگر، افزایش احتمال دستگیری و مجازات، می‌تواند لاقول، بخشی از مجرمینی را که دستگیر و مجازات شده‌اند دچار پشیمانی نماید و در انگیزه‌های آتی آن‌ها تأثیرگذار باشد (نعیمی، ۱۳۹۴، ۲۰۳).

بنابراین نگاه متفکران اقتصادی به حقوق جزا و اثرپذیری سیاست کیفری از نظریات و دستورالعمل‌های این اندیشمندان می‌تواند بستر کنترل و کاهش جرائم را فراهم نماید در نتیجه موجب کاهش هزینه اجرای شیوه‌های مجازات و کاهش هزینه‌های مقابله با جرائم گردد. در این راستا قانون‌گذاران به عنوان نهاد حاکمیتی بیشترین ارزش افزوده از مجازات‌ها به ویژه مجازات‌های نوپای جایگزین حبس را نصیب نهاد حاکم و مجرم نمایند. در ایران براساس آمار زندانیان موجود تورم جمعیت کیفری) و به تبع آن، افزایش فضای زندان‌ها در شهرهای مختلف کشور، مشاهده می‌گردد که مجازات حبس، بیشترین مفاد احکام محاکم را در بر گرفته است (بابایی، ۱۳۸۶، ۵۲).

از طرفی عدالت کیفری، تأمین منافع فرد و جامعه را در اجرای مجازات سالب آزادی کوتاه‌مدت و

شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ۶۸ - ۲۱۸). قاعده لاضرر از قواعد فقهی است که به کسی تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهد. این قاعده مستند به آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره می‌باشد و روایات متعدد و عقل و اجماع می‌باشد (حرعاملی، ۱۳۸۹، ج ۴۲۹، ۲۵۰). این قاعده از پرکاربردترین قواعد فقهی است که با متون لاضرر و لاضرار، لاضرر و لاضرار فی الاسلام و «لاضرر و لاضرار علی مؤمن به کار گرفته شده است (محمدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۵۶). برای اثبات حجیت و اعتبار این قاعده علاوه بر عقل و اجماع به آیات و روایات مختلف از جمله آیه ۲۳۳ سوره بقره و روایت ابن اثیر از پیامبر اکرم (ص) با عنوان «قال رسول (ص) لاضرر و لاضرار فی الاسلام و روایت رزازه از امام باقر (ع) در مورد سمره بن جندب با عبارت لاضرر و لاضرار فی الاسلام» استناد شده است.

پر واضح است که این قاعده فقط در اسلام نیست بلکه این حکم کلی جهانی است که هر عقل سلیمی آن را می‌پذیرد و باور دارد و اختصاص به اسلام ندارد البته که در اسلام حکم ضروری نیست و نباید وجود داشته باشد چه بسا اگر مسلمانان ببینند که دو گروه غیر مسلمان در حال اضرار به همدیگر هستند بایستی مسلمانان جلوگیری نمایند (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹، ج ۳، ۸۱). بهتر است بگوییم قاعده لاضرر رجوع به فطرت و امضای حقوق فطری است خصوصاً با در نظر گرفتن مورد حدیث که می‌گوید: کسی حق ندارد حق فطری کسی را سلب کند و یا به آن تضییق وارد آورد برای مثال قاعده لاضرر و لاضرار خود حکمی شرعی است که به موجب آن ایراد ضرر و زیان به دیگری و یا احکام ضرری نفی شده است و در واقع از میان نسب اربعه آن‌ها را عموم و خصوص مطلق به شمار آورده است.

در حال حاضر این اصل در کل نظام‌های حقوقی جهان کم و بیش مورد پذیرش است (که در این گونه جوامع اسلامی) از قاعده لاضرر به عنوان ملاک جرم‌انگاری استفاده می‌نمایند که آیا اصل ضرر به‌طور کامل با اصل ضرر شباهت دارد یا خیر؟ اصل ضرر از نظر طرفداران و بنیان‌گذار آن جان استوارت میل به عنوان تنها دلیل موجه برای محدود کردن آزادی افراد محسوب می‌گردد. ولی «میل» نتوانست در کتاب درباره آزادی خود تعریف دقیق، کامل و جامعی در مورد این اصل ارائه بدهد همین عدم تعریف جامع سبب شده است تا «نویسنده‌هایی با زیاده‌روی پافشاری می‌کنند همه بحث‌ها و دلایل که در رساله درباره‌ی آزادی است، با ابهام و دو پهلویی موجود در استفاده «میل» از واژه‌ی آسیب شده است» (لوکاس، ۱۹۶۶، ۱۷۴). بنابراین با توجه به داورها و قضاوت‌هایی که در باب معنا و مفهوم اصل ضرر وجود دارد، به طور طبیعی سبب گشته میان اشخاصی که از نظر اخلاقی دیدگاه‌های متفاوتی درباره این اصل دارند تعریف دقیقی ارائه نگردد و این دیدگاه‌های متفاوت سبب بحث‌های چالشی در مورد مفهوم اصل، ضرر شده است که در پایان این مبحث به نقد معنا و مفهوم آن پرداخته می‌شود. البته می‌توان گفت منظور میل از آسیب و ضرر به دیگران زبانی است که به منفعت‌های اساسی اشخاص برمی‌گردد. مانند آسیب رساندن به امنیت و اختیار انسان که از منافع او هستند، نمونه‌های این زیان‌ها به شمار می‌روند.

تفاسیر جدیدی در مورد این اصل ایجاد شده است. این تعبیر به منافع محدود نشده، بلکه فراتر از منفعت‌ها است که به آن‌ها در ذیل اشاره می‌گردد: الف) از بین رفتن منفعت‌هایی از فرد که او مستحق آن‌ها بوده است؛ ب) آسیب رساندن به

عواطف و احساسات شخص؛ ج) آسیب‌هایی که فراگیر هستند و سلامت افراد جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهند؛ د) از بین رفتن برخی از منافع دولت (گروس، ۱۹۷۹، ۱۹).

طرفداران اصل ضرر ممکن است تعاریف گوناگونی از اصل ضرر ارائه بدهند، برخی فقط آسیب رساندن جسمی مادی و عینی مدنظرش باشد، ولی برخی دیگر علاوه بر ضرر جسمی ضرر روحی را نیز در تعریف اصل ضرر به حساب بیاورند ولی همگی در یک چیز با یکدیگر اتفاق نظر دارند و آن اینکه کسی حق آسیب و زیان رساندن به دیگری را ندارد و اگر آسیبی رساند دولت حق مداخله خواهد داشت و می‌تواند آزادی او را محدود یا سلب نماید (محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ۱۹۹).

دولت‌ها با جرم انگاری نمودن بیش‌ازحدشان بر اساس ملاک‌هایی که میل و طرفدارانش «لیبرال‌ها»، آن‌ها را قبول ندارند آزادی افراد را محدود می‌نمایند. میل بین آزادی و قوانین یک ارتباط ایجاد کرد و آن را مضر بودن یا همان «اصل ضرر» نامید (روستایی، ۱۳۹۴، ۵۴). که در حال حاضر این اصل در عرصه بین‌الملل و مجامع حقوقی بسیار معروف است. وی در مورد این اصل بیان می‌کند: زمانی می‌توان یک رفتار و عمل را جرم به حساب آورد که آن فعل سبب شود که آزادی دیگران از او سلب یا به افراد دیگر آسیب و زیان رسانیده باشد. همان طور که بیان شد این اصل بین آزادی و وضع قوانین قرار دارد زیرا از یک سو آزادی اشخاص را سلب نمی‌کرد و از سوی دیگر قانون باید به صورتی وضع و تصویب، گردد که به دیگران آسیبی وارد نشود (روستایی، ۱۳۹۴، ۵۵).

بر اساس این اصل، هر فردی حق دارد از همه آزادی‌های، سیاسی اقتصادی، حقوقی و... بهره برد. آزادی افراد مشروط شده است تا جایی که آزادی دیگران را از بین نبرند و از تمام قوانینی که برای آزادی تصویب شده است اطاعت کنند و حق سرپیچی ندارند و گرنه مجوزی برای تحدید آزادی آن‌ها خواهد شد (روستایی، ۱۳۹۴، ۶۸). لیبرالیسم مکتبی است که اندیشه‌های خاص خود را دارد، او معتقد است انسان با اختیار با اراده و آزاد آفریده شده است و هیچ فردی نمی‌تواند به خاطر خیر و صلاح، در زندگی و حریم خصوصی دیگری دخالت نماید بدین معنا که کارهایی که فرد توسط آن، به خودش آسیب وارد می‌کند مجوزی برای مداخله دولت و حکومت نمی‌شود که آزادی دیگران را محدود نماید، ولی زمانی که آن کار به دیگری لطمه‌ای وارد، نماید در این صورت حکومت و دولت می‌تواند وی را از جهت اجتماعی تنبیه نموده و آزادی‌اش را محدود نمایند. مورد مجازات قرار داده و آزادی او را محدود نماید (روستایی، ۱۳۹۴، ۵۵). میل از آنجایی که به آزادی افراد بسیار اهمیت می‌داد، اصل مذکور را در کتاب خویش (درباره آزادی) بیان نمود و قصد وی این بود تا با این کار، به آزادی افراد جامعه کمک کند. اما چنان‌که در سطور آینده خواهد آمد اندیشه وی خالی از نقد نیست.

۵-۲-۴. ناکارآمدی اقتصادی

اقتصاد هنجاری یا اقتصاد رفاه با این امر در ارتباط است که «حقوق و قواعد حقوق چگونه باید باشد» «و اینکه قانون‌گذار باید قواعدی را تصویب کند که از لحاظ اقتصادی کارا و با اصول و معیارهای اقتصادی سازگار باشد. از دیدگاه این مکتب قواعد حقوقی را باید در جهت رفع نواقص موجود در بازار تغییر داد. این اصلاحات، تاحدی

لازم است که بتوان به آن چه برای جامعه مطلوب است، دست یافت» (اسکات، ۲۰۰۰).

«در حقوق ایران نیز، قانون‌گذار در ماده ۳۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ با این نگرش به موضوع پرداخته است. تحلیل اقتصادی هنجاری درصدد پاسخ به دو پرسش اساسی است: نخست، آیا کارایی باید تنها هدف قانون باشد؟ آیا سیاست جنایی نیز باید هدف خود را کارایی بداند یا به سایر اهداف (اصلاح و بازپروری) توجه داشته باشد؟ ثانیاً، در صورتی که هدف کارایی باشد، تغییر در قوانین تا چه اندازی برای دستیابی به آن مجاز است؟» (انصاری، ۱۳۸۸، ۱۴۵).

تحلیل هنجاری، کارایی و رسیدن به آن را هدف اصلی قانون می‌داند، به نحوی که قانون باید منعکس‌کننده آن باشد و قواعد حقوقی باید تا آنجا که ممکن است، تغییر داده شوند تا به کارایی لازم برسند (میسلی، ۲۰۰۴، ۳).

معیار کارایی، در اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ در رویکرد هنجاری، از دو بعد قابل اعمال است: نخست، از یک دیدگاه، این اصلاحیه میزان رفاه برخی از اعضای جامعه را نسبت به قانون سابق پایین می‌آورد. دامنه اعمال این قانون در تبصره بند دوم الحاقی به ماده اول، ماده ۱۷، ماده ۱۸ و ماده ۳۵ این اصلاحیه که دامنه رفتارهای بزهکارانه را افزایش می‌دهد، بیشتر شده است. از سوی دیگر، تصویب تبصره ۲ ماده ۱۵ دولت را مجبور به تحمل هزینه‌هایی برای درمان بزهکاران می‌کند، هزینه‌هایی که دولت باید همه ساله از بودجه عمومی بدان اختصاص دهد، حال آنکه می‌توان

آن‌ها را برای افزایش میزان رفاه کل جامعه به کاربرد.

۵-۲-۵. محدودسازی حقوق اقتصادی و رفاهی شهروندان

یکی دگر از آثار سیاست جنایی امنیت مدار، محدودسازی حقوق اقتصادی و رفاهی شهروندان است. «سیاست جنایی امنیت مدار هم در بعد حقوقی و هم در بعد جرم شناختی ناچار از به کارگیری تدابیری است که مستقیماً با اقتصاد و بودجه عمومی و نیز وضع فردی شهروندان ارتباط دارد اجرای تدابیر رسمی و سرکوبگر و مجازات‌های خشن هرگز نمی‌تواند به تنهایی ضامن موفقیت برنامه‌های سیاست جنایی باشد بلکه متولیان آن ناچارند در جامعه زمینه سازی نموده و بستری فراهم آورند که اجرای چنین تدابیری از منظر افکار عمومی دارای مقبولیت باشند. یکی از اقداماتی که عمده‌تاً در این راستا انجام شود تأسیس و مدیریت شبکه‌های اطلاع‌رسانی که به یک پایگاه اطلاعاتی و امنیتی برای دولت‌ها بدل شده و ضمن انعکاس و قانع جنایی خطرناک برنامه‌هایی مختلفی در راستای حمایت از سیاست‌های خشن و امنیتی دولت حاکم ارائه می‌دهند چنین شبکه‌های رسانه‌ای بی‌شک هزینه‌زا بوده و دولت‌ها را ناچار به سرمایه واقع نشده باشند. گذاری‌های مضاعفی می‌نمایند که شاید در محاسبات اولیه چندان مورد توجه واقع نشده باشند» (استنسون، ۲۰۰۷، ۱۵۹).

«از سوی دیگر در بعد جرم شناختی و پیشگیری وضعی از جرائم دولت‌ها با تمرکز بر گروه خاصی از جرائم و تلاش برای کاهش نرخ ارتکاب آن‌ها ناخواسته موجب انتقال نرخ جرائم به مناطق دیگری می‌گردند که سابقاً چندان بحرانی نبوده و لذا کمتر مورد نظر سیاست‌های امنیتی و

پیشگیرانه وضعی واقع شده‌اند این پدیده که موجب جابه‌جایی محیط ارتکاب جرائم می‌گردد به تدریج مناطق مختلفی از ناامنی ایجاد می‌کند که هر کدام به قیمت کنترل منطقه دیگر و کاستن از دامنه ارتکاب جرم در آن منطقه ایجاد شده‌اند. همچنین دولت‌ها در راستای توسعه تدابیر پیشگیرانه شهروندان را نیز به سرمایه‌گذاری در امر خرید تجهیزات امنیتی چون دوربین‌های مداربسته و... تشویق می‌کنند که خرید و تأمین آن‌ها برای قشر وسیعی از شهروندان آسان و ممکن نیست. بنابراین سیاست مراقبت از خود از سوی شهروندان به تدریج به مقوله‌ای محاسباتی‌تر بدل می‌شود تا جایی که شهروندان مجبورند همواره برای تأمین ملزومات فنی آن برنامه‌ریزی نمایند این درحالی است که بسیاری از مردم به سادگی قادر نیستند این تجهیزات را تأمین نمایند لذا لحظه احتمال بروز نارضایتی از سوی آنان و تبعاً به چالش کشیده شدن تدابیر کلان امنیتی امری قابل انتظار جلوه می‌کند» (آلبرت، ۱۹۹۱، ۳۴-۳۵).

«مثالی که در این زمینه غالباً مطرح می‌شود سیستم‌های ردیاب خودرو است. این سیستم‌ها این امکان را برای خودروهای مسروقه گران قیمت فراهم می‌آورند تا به واسطه سیگنال‌هایی که در بدنه خودرو پنهان شده است توسط پلیس ردیابی شوند تا زمانی که این سیستم‌های ردیاب خدمتی خصوصی محسوب شده و کاملاً توسط فروشندگان خصوصی عرضه می‌شوند مخالفتی عدالت کیفری توسط وجود ندارد اما پلیس نیز به عنوان یکی از ارکان عمومی فروشندگان خصوصی مجبور به استفاده از این دریافت‌کننده‌ها در خودروهای گشت خود شده است این امر منجر به توجه بیشتر پلیس به خودروهای مسروقه‌ای که

دارای این ردیاب‌ها هستند می‌شود تا خودروهایی که فاقد این سیستم‌ها هستند چون به هر حال وقتی موضوع جرم مالی مهم‌تر باشد که به قشر نوعاً ثروتمند جامعه هم تعلق، دارد پلیس انگیزه و دلایل کافی برای اعمال جدیدت بیشتر خواهد داشت چنین مسائلی در جوامع سرمایه‌داری به سان یک قانون نانوشته می‌باشند زیرا تجربه نشان داده است که اقشار ثروتمند جامعه در اموری چون انتخابات و تصمیمات سیاسی نفوذ دارند و لذا نارضایتی آن‌ها هم انعکاس شدیدتر و خطرناک‌تری خواهد داشت» (رضوانی، ۱۳۹۱، ۱۷۴). علاوه بر این، «از دیدگاه تحلیل اقتصادی، هر سیاست کیفری که مجازاتی را تجویز کند، به طور ناخواسته از میزان رفاه جمعی جامعه می‌کاهد. در نتیجه، سیاست‌گذاری را در زمینه حقوق کیفری به متولیان مربوطه پیشنهاد می‌دهد که در آن به کارگیری ضمانت اجراها به عنوان آخرین راهکار شناخته شود». چنانکه ماده ۱۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ چنین نگرشی به موضوع داشته است. همچنین، این مصوبه برای تشویق و ایجاد محرک‌هایی برای درمان حالت اعتیاد، کلیه اقدامات درمانی را تحت پوشش بیمه قرار می‌دهد. زیرا، در صورتی که در همان ابتدا به جرم‌انگاری این حالت بزهکارانه می‌پرداخت، علاوه بر هزینه‌های نگهداری این افراد بایستی هزینه‌هایی درمانی آن‌ها را نیز متقبل می‌شد. علاوه بر این، هزینه‌های برای دستگاه دولتی چون پلیس، دادسرا و دادگاه نیز در پی داشت.

۶. نتیجه

در مقاله حاضر به بررسی این سوال پرداخته شد که سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت محور از منظر فقه و حقوق کیفری دارای چه ابعاد اقتصادی است؟ نتایج نشان داد که مهمترین بعد اقتصادی سیاست جنایی امنیتمدار، افزایشهای هزینههای اقتصادی این نوع سیاست جنایی است. سیاست جنایی امنیتمدار عمدتاً بر افزایش جمعیت کیفری و مجازات زندان متکی است و ازدحام و تورم جمعیت کیفری اثرات سوء اقتصادی فراوانی بر دولت (جهت تهیه و تجهیز محیط زندان، هزینه سرانه زندانیان) تحمیل می‌نماید. خانواده‌ی مجرم نیز از زندانی شدن عضو خانواده متحمل هزینه‌های اقتصادی خواهد شد. نگاه اقتصادی به سیاست جنایی در بهبود سلامت-جامعه، کاهش جمعیت کیفری و همچنین فراهم آوردن بستر کنترل و کاهش جرائم و در نهایت کاهش هزینه‌های مقابله با جرائم تأثیرگذار است. برای همسویی با نگاه اقتصادی به نظام عدالت کیفری و کاهش جمعیت کیفری مبتنی بر کنترل و کاهش جرائم و هزینه‌های مقابله با جرائم، پیشنهاد می‌گردد؛ سیاست کیفری تجدید دامنیه قراردادهای بازداشت موقت و توسعه‌ی گسترده صدور قرارهای قبولی کفالت و وثیقه گسترش یابد تا از این طریق موجبات زندانی نشدن متهمین تا زمان محاکمه که آثار مثبت فراوانی از جمله؛ جلوگیری از آثار و تبعات سوء ناشی از عدم تفکیک محکومین و متهمین در زندان در مدت حبس و همچنین امکان برائت متهمین پس از طی مراحل تحقیقات مقدماتی دارد می‌توان اشاره کرد. که هر دوی این رویکردهای به نگاه اقتصادی به نظام عدالت کیفری و کاهش جمعیت کیفری مبنی بر عدالت و سلامت جامعه کمک می‌کند.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- احمدوند، خلیل‌اله؛ چراغی، محمد، «مقاله بازتاب‌های رویکرد اقتصادی به سیستم عدالت- کیفری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، سایت و پایگاه سیویلیکا ناشر تخصصی مقالات و کنفرانس‌ها و ژورنالها - همایش بین‌المللی حقوق و فقه اسلامی، ۱۳۹۶.
- اسدی، لیلا سادات، درس‌نامه حقوق کیفری خانواده، چاپ اول، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، ۱۳۹۰.
- انصاری، اسماعیل، «تحلیل اثباتی و هنجاری حقوق کیفری و مجازات‌های بهینه از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوق، شماره نوزدهم و بیستم، ۱۳۸۸.
- بابایی، ایرج، «مقاله نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق»، پژوهشنامه حقوق و سیاست، شماره بیست و سوم، ۱۳۸۶.
- بهادران، سارا؛ آقاسی، علیرضا، «سیاست جنایی امنیت مدار از تئوری تا عمل»، مجله مطالعات حقوق، شماره هفتم، ۱۳۹۹.
- التمن اندرو، درآمدی بر فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- حاجیانی، هادی، «مقاله رابطه متقابل حقوق و اقتصاد»، انتشار در سایت تین نیوز، ۱۳۹۳.
- حسینی نژاد، سیدمرتضی، «بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی مورد سرقت»، مجله برنامه‌بودجه، شماره نودوپنج، ۱۳۸۴.
- رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
- روستایی، مهرانگیز، «مقایسه تطبیقی اصل ضرر و قاعده لاضرر در توجیه مداخله کیفری»، نشریه حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۴.
- شاول، استیون، کتاب مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- شهرانی کرانی، نجمه؛ مهدوی‌پور، اعظم، «امنیتی شدن جرم‌شناسی، راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره اول، ۱۳۹۳.
- طالقانی، محمدعلی، فرهنگ اصطلاحات حقوقی، لاتین-فارسی، چاپ اول، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۳.
- کوتر، رابرت؛ یولن، تامسن، حقوق و اقتصاد، چاپ هفتم، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، ۱۳۹۱.
- کونانی، سلمان؛ میرکمالی، علیرضا؛ امیر حشمتی، دیبا، «برهم‌کنش موازن حقوق بشر و سیاست جنایی امنیت گرا در افق قواعد حقوق بین‌الملل؛ با تأملی بر قانون میهن‌پرستی آمریکا»، مجله مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره یازدهم، ۱۳۹۱.
- مجیدی، سید محمود؛ تاج‌آبادی، فاطمه، «تکنیک‌های جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۸.

لاتین

- Albert, T, E; Situational crime prevention, London, T.D. Lawpublishing, 1991, pp; 34- 35.
- Cento G. Veljanvoski, Economic Principles Of Law, Cambridge University Press, 2007, p; 19.
- Gross, H, A Theory of Criminal Justice, New York: OUP, 1979, p; 19.
- Jon D. Hanson, Kathleen Hanson & Melissa R. Hart (2009), Law and Economics, Harvard Law School Public Law & Legal Theory Working Paper Series Paper No. 10-14, p; 299.
- Lucas, J.R, Principles of Politics, Oxford, Clarendon, Press. 1966, p; 174.
- Miceli. Thomas J. The Economic Approach To Law, Stanford, California, 2004, p; 3.
- Nicholas L. Georgakopoulos, Principal And Methods Of Law And Economics (Basic Tools for Normative Reasoning), CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS, 2005 p; 3.
- Scott, W.R., Financial Accounting Theory, 2nd ed., Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ, 2000, pp; 104-110
- Stenson, K; New Politics of Crime Control, New York: Wilain Publishing, 2007, p; 159.

- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
- محمودی جانکی، فیروز، «مبانی اصول و شیوه‌های جرم انگاری»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
- موسی زاده، میثم؛ اسماعیل‌پور، سید روح اله، «مقاله فلسفه کاربردی مجازات حبس و جایگزین‌های آن»، اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۶.
- نعیمی، سید مرتضی، «مقاله تحلیل اقتصادی رفتار بزه‌کار و تبیین بازدانگی مجازات»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره دوم، ۱۳۹۴.

عربی

- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد بیست و پنجم، بیروت، دار الحیا التراث، ۱۳۸۹.
- حسینی سیستانی، علی، قاعده لاضرر ولا ضرار، قم، مکتبه آیت‌الله‌العظمی سیستانی، ۱۴۱۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، جلد اول، اصفهان، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، ۱۴۱۱.
- منتظری نجف آبادی، حسین‌علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد سوم، قم، موسسه کیهان، ۱۴۰۹.

